

توسعه نیافتگی ناشی از تأخیر فرهنگی برآمده از حاشیه‌نشینی در شهرها

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۵

کد مقاله: ۹۱۱۶۱

وحید حسنی^۱، رضا الهیاری^۲، مجید دهشیری^۳

چکیده

توسعه شهری یکی از جدیدترین و بحث برانگیزترین مطالعات در مدیریت و برنامه ریزی شهری و یکی از دغدغه‌های مهم ذهنی نخبگان جوامع مختلف است. عاملی که در فرآیند توسعه شهری بسیار تأثیر می‌گذارد فرهنگ است. به اعتقاد برخی دانشمندان علوم اجتماعی بسیاری از معضلات سازمانی و اجتماعی به این علت به وجود می‌آیند که بعضی قسمت های فرهنگ کندتر از سایر قسمت‌ها تغییر پیدا می‌کنند که باعث تأخیر فرهنگی یا پس افتادگی فرهنگی جامعه می‌شود. تأخیر فرهنگی موجب دشواری پیاده سازی برخی روستاها می‌گردد. اختلاف فرهنگ در بخش‌های مختلف مانع از پیاده سازی و آزادسازی امکانات و تسهیلاتی شده که به توسعه کمک می‌کنند. این مقاله در صدد تبیین ارتباط بین تأخیر فرهنگی میان جامعه حاشیه‌نشین و جامعه شهری با مفهوم توسعه می‌باشد. در نتیجه‌ی بررسی ارتباط بین مفاهیم یاد شده، مدل مفهومی استخراج شده و بررسی این مدل نتیجه می‌دهد که تأخیر فرهنگی و ناسازگاری‌های فرهنگی اثر حاشیه‌نشینی بر توسعه نیافتگی را تشدید خواهند کرد.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، تأخیر فرهنگی، توسعه شهری

۱-دانشجوی دکتری دانشگاه یزد و کارشناس ارشد رشته مدیریت صنعتی گرایش تولید و عملیات

۲-کارشناس ارشد برنامه ریزی سیستم های اقتصادی و مدرس دانشگاه

۳-کارشناس مدیریت صنعتی

۱- مقدمه

ثبات و هماهنگی سیستم فرهنگ به نحوه‌ی کارکرد هر یک از اجزای آن بر می‌گردد، عدم هماهنگی در نوع تغییرات بین عناصر مختلف فرهنگ باعث دگرگونی در جامعه می‌شود. (بابایی، ۱۳۸۴، ص ۶۴). به عقیده لوئیس (۱۹۹۸) حاشیه نشینی با فرهنگ فقر همراه است. افرادی که در حاشیه کلان‌شهرها سکونت دارند در بیشتر موارد از شهرهای کوچکتر و حتی کشورهای همسایه مهاجرت نموده‌اند و با معضلاتی مانند بیکاری، فقر، مشکلات اجتماعی و ... مواجه‌اند. در حالی که عوامل فرهنگی متفاوتی -مانند علم جویی در بین جامعه نخبگان یا گرایش به زیبایی بین جامعه جوان- وجود دارد که این باعث ایجاد تأخیر فرهنگی و در نتیجه مانع توسعه جامعه می‌شود. در این تحقیق ابتدا به مفاهیم حاشیه نشینی، تأخیر فرهنگی و توسعه پرداخته می‌شود. هر کدام از این مفاهیم می‌تواند با رویکردهای متفاوت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. تأخیر فرهنگی با رویکرد ناظر بر توسعه بین جوامع مختلف، مفهوم حاشیه نشینی با رویکرد تمرکز بر کلانشهرها و مفهوم توسعه با نگاهی منبعث از زیرساختهای فرهنگی-اجتماعی تبیین می‌گردد. سپس روابط بین این متغیرها تبیین گردیده و مدل مفهومی با نگاه علی-مقایسه‌ای استخراج می‌گردد. این مدل می‌تواند گویای ارتباط بین مفاهیم نام برده در کلان‌شهرها است.

در مورد توسعه و حاشیه نشینی مطالعات زیادی انجام شده است که مرتبط ترین مطالعات اخیری که به آن پرداخته اند شامل تحقیقی است که اثر حاشیه نشینی و شهر نشینی را بر صنعت بانکداری بررسی می‌نماید (Yeung, He, & Liu, 2012). مطالعه‌ی دیگری مشکلات حاشیه نشینی فزاینده شهری را در کشور کره بررسی می‌کند و مطالعه موردی آن در مورد مواجهه با فناوری است (Park & Lee, 2002). در مطالعه ای راجع به حاشیه نشینی شهری این پدیده را در کالیفرنیا بررسی نموده و راهکارهایی برای مشارکت بیشتر حاشیه نشین در جامعه داده است (Shilling, London, & Liévanos, 2009).

۲- بیان مفهوم

در این بخش مفاهیم مطرح شده در این تحقیق شامل تأخیر فرهنگی، حاشیه نشینی و توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲- تأخیر فرهنگی

تأخیر فرهنگی^۱ یا پس افتادگی فرهنگی توسط اگ برن^۲ (۱۹۶۴) جامعه شناس آمریکایی مطرح شد. اگ برن بیان می‌دارد که اگر بین پدیده‌ها و عنصرهای فرهنگی به یکدیگر وابسته که در مجموع یک ترکیب فرهنگی را تشکیل می‌دهند، یک یا چند عنصر سریعتر از دیگر عنصرها تغییر کند، باعث می‌شود که در اثر تغییر یا پیشرفت، نابسامانی و نا هماهنگی در مجموعه‌ی آن ترکیب فرهنگی بوجود بیاید. این عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک ترکیب فرهنگی را پس افتادگی فرهنگی گویند. اگ برن مثال اتومبیل را می‌زند که رشد چشمگیر آن متناسب با وضع جاده‌ها نبود و این عامل موجب عدم تناسب بین عناصر سیستم حمل و نقل و در نهایت منجر به درست کار نکردن این سیستم شد. در مورد فرهنگ نیز می‌توان مثال‌های متفاوتی زد از جمله مثالهای خدمات شهری ایجاد دستگاههای مکانیزه خدمات شهری در سطوح شهرهای پیشرفته است. این خدمات در هر جامعه ممکن است با دو یا چند فرهنگ متفاوت مواجه شود. در سطح جامعه ممکن است بخوبی از این خدمات استفاده شده و هزینه نگهداری و تعمیرات و همچنین هزینه خودکار سازی به جامعه باز گشت کند ولی در همان جامعه، فرهنگ متاخر می‌تواند با اقدامات نابسامان گونه‌ی خود استهلاک این تجهیزات را بالا برده و کارایی مکانیزه کردن را با دشواری و کاهش مواجه نماید.

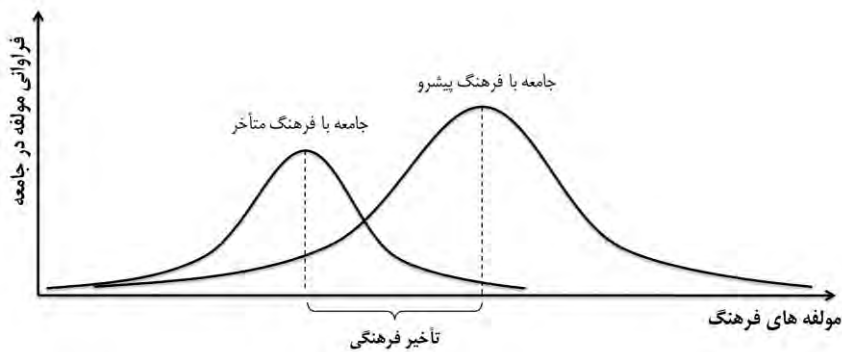
«پس افتادگی فرهنگی پیامد فاصله‌ای است که در انتقال اجزایی از یک فرهنگ رخ می‌دهد، اجزایی که معمولاً لازم و ملزوم یکدیگرند. برای فرهنگ ویژگی‌هایی بر می‌شمارند که از آن جمله آموزش و انتقال پذیر بودن آن است. فرهنگ از طریق آموخته شدن از نسلی به نسل دیگر یا از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر انتقال پیدا می‌کند. آن چه پس افتادگی فرهنگی خوانده می‌شود بیشتر تأخیر یا دیرکردی است که در انتقال مکانی اجزا و عناصر فرهنگی رخ می‌دهد» (وحید، ۱۳۷۸، ص ۲۴)

«پس افتادگی فرهنگی هر جا که باشد آثار منفی خود را در همه‌ی جنبه‌ها و شکل‌های زندگی نشان می‌دهد؛ هر چند در نحوه استفاده از شرایط، امکانات، فضاها، وسایل کار، وسایل نقلیه‌ی خصوصی و عمومی، وسایل صوتی و بسیاری موارد دیگر خسارات ناشی از استفاده‌ی وسایل متوجه شخص استفاده کننده است ولی در بیشتر اوقات متوجه عموم می‌گردد.» (وحید، ص ۲۸)

در شکل ۱ چگونگی تفاوت جوامع از لحاظ فرهنگ و مفهوم تأخیر فرهنگی بصورت مفهومی ترسیم شده است؛

1- Cultural lag

2 - Ogburn

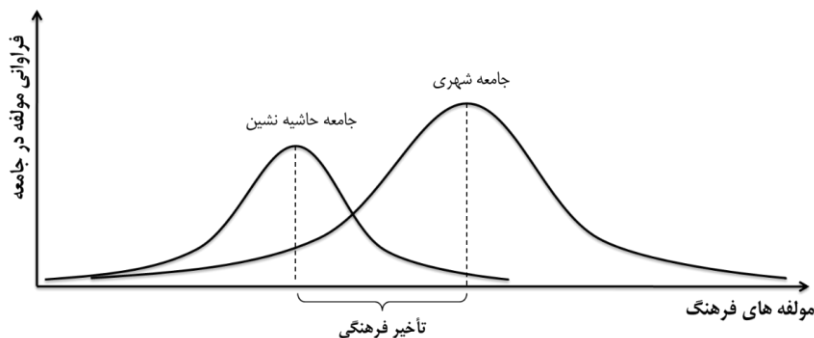


شکل ۱- تأخیر فرهنگی در جوامع (حُسنی و سبزه‌کار، ۱۳۸۹)

در این نمودار جوامع به دلیل ویژگی‌های طبیعی آن‌ها بصورت نرمال درآمده اند و مد (که منطبق بر میانگین نیز است) مؤلفه‌های فرهنگی است که مورد توافق بیش‌ترین اعضای جامعه بوده و آن جامعه به آن معروف است. مانند فرهنگ علم طلبی که با مؤلفه‌هایی نظیر سرانه‌ی مطالعه سنجیده می‌شود یا شدت ارتکاب جرم در جامعه که با آمار رسمی آن بیان می‌گردد. اگر فرهنگ پیشرو در اقلیت و فرهنگ عموم جامعه را فرهنگ متأخر تعیین کند فرهنگ پیشرو از آن خواص یا نخبگان می‌باشد (حُسنی و سبزه‌کار، ۱۳۸۹). در ادامه بیان می‌شود که فرهنگ متأخر نسبت به فرهنگ پیشروی جامعه‌ی شهری، فرهنگ حاشیه نشینی است.

۲-۲- حاشیه نشینی

حاشیه نشینی (زیستن در حاشیه) در ارتباط با شرایط گروه‌ها و طبقاتی به کار می‌رود که از ایفای نقش موثر در نظام اجتماعی محروم شده‌اند و در حاشیه متن و غالباً بصورت منفعل یا نیمه فعال زندگی می‌کنند. این گروه‌ها در سطح پایین سلسله مراتب اجتماعی جای می‌گیرند و از پیگیری منافع خود ناتوان و یا نسبت بدان‌ها نا آگاهند (افشارکهن، ۱۳۸۲). همچنین حاشیه‌نشینی به شیوه‌ای از زندگی شهری اطلاق می‌شود که با تراکم بیش از حد جمعیت، تعارض فرهنگی، بی ثباتی اجتماعی، بیکاری و مشاغل کاذب، بی هویتی، خشونت، جرم و جنایت، احساس حقارت، آمادگی برای آشوب و انفجار و ... می‌تواند همراه باشد. حاشیه نشینی، دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می‌کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده‌ها باشد که به علت هزینه‌های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی‌توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می‌آورند که امکان کنترل‌های اجتماعی و هنجاری کمتری در آن‌جا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند. اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک (۱۹۸۱) بیان می‌دارد، شرایط یا عالمی است، برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزش‌های دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آن‌ها نشده است. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می‌شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگ‌ها، حالت کناره گیری از خود نشان می‌دهد و نمی‌تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزش‌ها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می‌گیرد و در حالتی معلق در حاشیه اجتماع می‌نشیند. این ناباوری نسبت به ارزش‌ها و تمایز شخصیتی جامعه حاشیه نشین، مولد تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی بین جامعه شهری و جامعه‌ی حاشیه نشین می‌گردد. لذا این تفاوت‌ها موجب ایجاد و یا تشدید پدیده‌ی تأخیر فرهنگی می‌شود. این تأخیر فرهنگی از نوع جامعه پیشرو - پس افتاده است. همانگونه که در شکل ۲ نشان داده شده است جامعه‌ی شهری جامعه‌ی نرمال پیشرو شناخته شده و جامعه‌ی حاشیه‌ی شهر، نقش جامعه‌ی نرمال پس افتاده را ایفا می‌کند.



شکل ۲- تأخیر فرهنگی بین جامعه شهری و جامعه حاشیه نشین

۳-۲- توسعه

امروزه در جهان، توسعه خواهی تبدیلی به جنبشی فراگیر و جهانی شده است، اغلب دولت‌ها و همه ملت‌ها خواهان توسعه هستند، اما مراد از توسعه در این میان بسیار متفاوت است. از گذران امور روزمره گرفته تا فراغت، از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی در این مقوله می‌گنجد. در یک تعریف کلی و ناظر به توسعه برنامه‌ریزی شده، تمامی مصداق‌های «حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب» به عنوان تلاش‌هایی صورت گرفته برای توسعه است. هر چند ایده توسعه به معنای بهبود وضع و شرایط زندگی فردی یا جمعی همواره و در طی تاریخ مورد توجه بشر بوده است، معنای جدید و برنامه‌ریزی شده آن مربوط به دوران معاصر یعنی پس از پایان جنگ جهانی دوم می‌باشد که نظریه‌های متفاوتی در این زمینه مطرح شد. ابتدا تر رشد اقتصادی به عنوان یک ایده آل مطرح شد و کشورهای کمتر رشد یافته الگوی رشد کشورهای فاتح و پیروز در جنگ را کعبه آمال خویش ساختند.

بدین‌سان ادبیات نوسازی چند دهه در برنامه‌های توسعه ملل مختلف سلطه بلامنازع پیدا کرد. در این مدت صاحب نظران توسعه به هنگام مشاهده نتایج حاصل از اجرای این پروژه به این نتیجه رسیدند که توصیه‌هایی که برای توسعه پیشنهاد می‌شود، منجر به عوارض و پیامدهایی از قبیل عدم کاهش فقر، عدم برابری در فرصت‌های آموزشی، ماندگاری بحران، گرسنگی و فقدان امنیت غذایی گرسنگان، تخریب وحشتناک منابع طبیعی، عدم برقراری دموکراسی در بسیاری از ممالک و بیش ناپیدن آن در کشورها می‌باشد.

خلاصه آن‌که اهداف توسعه در کشورهایی از این دست نه تنها محقق نشد بلکه در حوزه‌های زیست محیطی منجر به تخریب جنگلها و مراتع شد و آلودگی شهرها شد و شمار زیادی از مردمان جهان دچار سوءتغذیه و بیماری‌های واگیر و ... شدند و هر روز بر تعداد افراد ساکن در نقاط حاشیه و زاغه افزوده شد (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵). این توسعه در شهرها نیز مشهود است. توسعه شهری که نتوانسته با عدالت همسان‌سازی داشته باشد موجب توسعه به همراه عدم توسعه شده است که این دو مقوله همراه هم در محیط‌های شهری در کنار هم مجتمع شده‌اند. توسعه‌ی ساختار نیافته و یکباره عدم توسعه و عقب ماندگی را در کنار خود دارد. این عقب ماندگی در شهرها می‌تواند در قالب فقر و حاشیه نشینی شهروندان در کنار رفاه و توسعه جامعه‌ی شهری متصور شد. در خیلی از کشورها و شهرهای بزرگ با ایجاد قوانین و رویه‌هایی سعی کرده‌اند تا این پدیده را مهار کنند ولی این پدیده اجتناب ناپذیر است که اجماع ثروت در یک جا کاهش ثروت را بدنبال دارد لذاست که در شهرهای توسعه یافته دنیا مدیریت شهری تلاش کرده است تا با جدا سازی و ایزوله نمودن فضای توسعه یافته با توسعه نیافته این تضادها را کاهش و موانع توسعه را اینچنین حل و فصل نماید.

۳- تأثیر تأخیر فرهنگی بر توسعه

معمولاً تأخیر فرهنگی اجتناب ناپذیر بوده و اثرات مثبت و منفی دارد. اجتناب ناپذیر بودن این پدیده به دلیل رشد متفاوت و شرایط فردی و محیطی گوناگون است. در مورد اثرات مثبت تأخیر فرهنگی می‌توان گفت افراد با فرهنگ‌های مختلف می‌توانند سطح مطلوب زندگی خود را بیابند و در آن زندگی کنند. فرهنگ‌هایی که پیشرو هستند فرهنگ‌های متأخر را به دنبال خود می‌آورند و این موجب توسعه فرهنگی جامعه می‌شود. ولی در مورد تأثیرات منفی تأخیر فرهنگی می‌توان گفت که در هر زمینه‌ای این تأخیر فرهنگی از حد مجاز خود تجاوز کند آسیب‌زا خواهد بود و حداقل موجب تنش و تعارض میان فرهنگ‌های پیشرو و متأخر خواهد شد.

در بیان دشواری‌های ناشی از پس افتادگی فرهنگی و تفاوت آن با خرده فرهنگها در میزان تاثیر گذاری بر نظم و وفاق اجتماعی این نکته را نیز نباید ناگفته گذاشت که در مهاجرت‌های درونی، همان‌گونه که پیش از این بیان گشت، خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ یا خرده فرهنگ میزبان تعارضی جدی ندارند و به تدریج ویژگی‌ها و الزامات آن را پذیرفته با آن همانند می‌گردند. در حالی که ترمیم یا جبران پس افتادگی فرهنگی چندان آسان نمی‌نماید. (وحید، ۱۳۷۸، ص ۲۹). چنان‌که یکی از جنبه‌های توسعه، توسعه فرهنگی می‌باشد، تأخیر فرهنگی خود یک مؤلفه برای عدم توسعه‌یافتگی می‌باشد. برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای توسعه‌ی فرهنگی باید پایاپای توسعه در زمینه‌های فناوری، اقتصادی، اجتماعی پیش رود تا این سازگاری بین مؤلفه‌های اجتماع برقرار شود. حال اگر تأخیر فرهنگی اتفاق بیافتد این سازگاری در نظام فرهنگی به ناسازگاری در نظام توسعه منتهی خواهد شد و ناسازگاری نظام توسعه خود مانع توسعه است.

۴- تأثیر حاشیه نشینی بر تأخیر فرهنگی

ترکیب جمعیت مناطق حاشیه نشین بیشتر شامل اجتماعات خرده فرهنگی متفاوت است. علاوه بر رویارویی خرده فرهنگ‌های مختلف، معمولاً خرده فرهنگ‌های ساکنین مناطق حاشیه نشین که از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین برخوردار می‌باشند با فرهنگ عمومی کلان شهرها در تضاد قرار می‌گیرند. به اعتقاد لوئیس (۱۹۹۸) حاشیه نشینی با فرهنگ فقر همراه بوده و ساکنین این مناطق که بیشتر از مهاجرین می‌باشند، به لحاظ سوابق قومی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی در سطح پایینی قرار دارند که با ساکنین سایر مناطق شهری متفاوت است.

کوتاه بودن دوران کودکی به گونه‌ای که فرزندان در سنین پایین وظایف بزرگترها را بر عهده می‌گیرند، محروم بودن کودکان از حمایت‌های خانوادگی، آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه، استقلال نسبی فرزندان از شاخص‌های فرهنگ فقر می‌باشد.

در تحقیقی که لوئیس قبل و بعد از انقلاب کوبا انجام داد به این نتیجه رسید با وجود این که بعد از انقلاب در محله‌های هاوانا فقر کاملاً از بین نرفته است ولی فرهنگ فقر در آن‌جا از بین رفته است زیرا حرکت انقلابی باعث شده بود که احساس بدبختی، بی‌علاقگی و نومیدی که از مشخصه‌های فرهنگ فقر هستند از میان برود و مردم بعد از انقلاب به علت تعلق بالایی که نسبت به کشورشان داشتند احساس قدرت و اهمیت می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۵).

نظریه فرهنگ فقر بیان می‌دارد که فرهنگ حاشیه نشینی نوعی شیوه زندگی است که دارای ابعاد روانی و اجتماعی نظری گوشه‌گیری و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از جوانان می‌باشد. در این نظریه اسکار لوئیس به ویژگی‌های ارزشی، رفتاری و اجتماعی فرهنگ فقر می‌پردازد و حدود هفتاد خصیصه روانی اجتماعی برای آن می‌شمارد که اکثر آن‌ها قابل تعاریف عملیاتی بوده و می‌توان آن‌ها را کمی و اندازه‌گیری نمود.

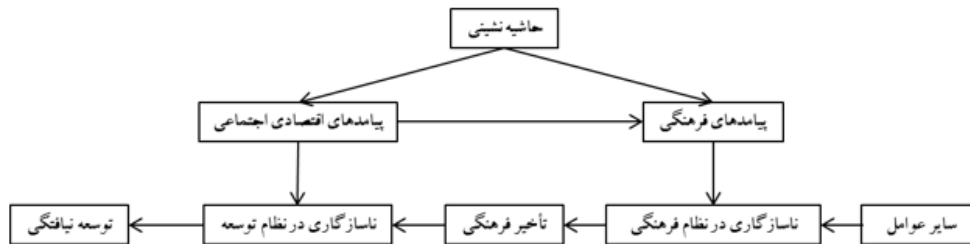
کاهش فرهنگ فقر بیشتر از فقر زدایی می‌تواند در تأخیر فرهنگی مؤثر باشد. به عبارت دیگر، کاهش فقر مادی ممکن است برای از میان بردن فرهنگ فقر کافی نباشد زیرا فرهنگ فقر یک شیوه زندگی است. زبان، قومیت، مهاجرت و تراکم جمعیت عوامل اصلی متفاوت در میان فرهنگ حاشیه نشین و فرهنگ شهری می‌باشد. با توجه به مطالب بیان شده، حاشیه نشینی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی منفی را بدنبال خود می‌آورد، این پیامدها هم شامل پیامدهای منفی فرهنگی بوده و هم مشدد فرهنگ خاص حاشیه نشینی می‌شود. جدایی این دو فرهنگ نیز منجر به تأخیر فرهنگی می‌شود. لذاست که حاشیه نشینی خود مولد تأخیر فرهنگی است.

۵- روش تحلیل

در این تحقیق برای تحلیل و ارائه‌ی مدل از روش علی- مقایسه‌ای (پس رویدادی) استفاده شده است. به این ترتیب که در این روش به صورت گذشته نگر و پس از وقوع یک پدیده، رویداد، غالباً معلول ابتدا مورد نظر قرار می‌گیرد و عوامل احتمالی که موجب بروز واقعه شده است، بررسی می‌گردد. لازم به ذکر است که چون واقعه مورد مطالعه قبلاً رخ داده است، متغیر وابسته همواره به عنوان وقایع در نظر گرفته می‌شود و متغیرهای مستقل را شناسایی و چگونگی تأثیر آن‌ها را بر متغیر وابسته مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (سنجری، ۱۳۸۸: ۱۰۷). این روش تحلیل در این تحقیق توانسته با بررسی ادبیات تحقیق و بررسی ارتباط بین متغیرهای مطرح شده مدلی برای تأثیر تأخیر فرهنگی بر توسعه نیافتگی جوامع شهری نتیجه دهد.

۶- استخراج مدل مفهومی

با توجه به عناوین گذشته می توان مدل مفهومی زیر را ترسیم نمود و آن را مبنای تحلیل های توسعه ای قرار داد؛ این مدل نشان می دهد که حاشیه نشینی هم از طریق پیامدهای اقتصادی اجتماعی بر ناسازگاری نظام توسعه تأثیر می گذارد و هم از طریق پیامهای فرهنگی. پیامدهای فرهنگی متأثر از حاشیه نشینی با پیامدهای اقتصادی- اجتماعی حاشیه نشینی تشدید شده و ناسازگاری در نظام فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. این ناسازگاری در نظام فرهنگی که ممکن است دلایل دیگری نیز داشته باشد، به صورت تشدید شده به تأخیر فرهنگی منجر شده و این تأخیر به ناسازگاری در نظام توسعه می انجامد که ناسازگاری هم پیامد توسعه نیافتگی یا تأخیر توسعه را به دنبال خواهد داشت.



شکل ۳: مدل مفهومی تأثیر حاشیه نشینی

۷- نتیجه گیری

در این مطالعه با بررسی مفاهیم تأخیر فرهنگی با رویکرد ناظر بر توسعه بین جوامع مختلف، مفهوم حاشیه نشینی با رویکرد تمرکز بر کلان شهرها و مفهوم توسعه با نگاهی منبعث از زیرساخت های فرهنگی- اجتماعی تبیین شده است. با بررسی اثر تأخیر فرهنگی بر توسعه و همچنین تأثیر حاشیه نشینی بر تأخیر فرهنگی یک مدل مفهومی تدوین گردید. این مدل نشان می دهد تأخیر فرهنگی که بر توسعه نیافتگی جوامع شهری تأثیر می گذارد با حاشیه نشینی ایجاد یا تقویت می شود. این اثر هم متأثر از پیامدهای حاشیه نشینی و هم متأثر از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی است. از این مطالعه بر می آید که برای رفع موانع توسعه، علاوه بر توجه به حاشیه نشینی و کاهش پیامدهای آن به عنوان یک راه حل بنیادی، راه حل دیگری نیز وجود دارد که راه کارهای کنترل فرهنگی است. با راهکارهای فرهنگی می توان اثر منفی حاشیه نشینی بر توسعه نیافتگی را کاهش و آن را به پیامدهای اقتصادی- اجتماعی محدود نمود، که در غیر اینصورت ناسازگاری های فرهنگی اثر حاشیه نشینی بر توسعه نیافتگی را تشدید خواهند کرد.

منابع

۱. بابایی، محمدباقر. (۱۳۸۴). مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی(ع)، انتشارات دوره عالی جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
۲. حُسنی، وحید، سبزه کار، مرتضی. (۱۳۸۹، ۲۹ اردیبهشت). توسعه نیافتگی ناشی از تأخیر فرهنگی و راه کارهای اسلامی آن. اثر ارائه شده در دومین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، مشهد.
۳. افشار کهن، جواد؛ ربانی، رسول؛ کلاتری، صمد. (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل ساختار اجتماعی محلات شهری قم، فصلنامه پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۲ (۱۸).
۴. سنجر، احمدرضا. (۱۳۸۸). روش های تحقیق در مدیریت. تهران: انتشارات عابد.
۵. نقدی، اسد الله. صادقی، رسول. (۱۳۸۵). حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۲۳۱-۲۱۳.
۶. نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۵). بررسی پیامدهای حاشیه نشینی بر نظام فرهنگی مشهد، اولین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری.
۷. وحید، فریدون. (۱۳۷۸). خرده فرهنگ ها، پس افتادگی فرهنگی و وفاق و نظم اجتماعی، مجله فرهنگ اصفهان، شماره ۱۲.
۸. احمدی، حبیب. ایمان، محمد تقی. فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز، مجله ی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد نوزدهم، شماره ۲، سال ۱۳۸۴، صص ۹۹-۱۱۸.
9. Lewis, Oscar. (1998). The Culture of Poverty. Society. Vol. 35 No. 2, 7-30
10. Ogburn W F (1964) Cultural Lag as a Theory. In: Duncan O D (ed) William F. Ogburn on Culture and Soical Change, University of Chicago Press, Chicago.
11. Park, M.-C. and S.-W. Lee, Double marginalization problems: evidence from the Korean fixed-to-mobile service market. Telecommunications Policy, 2002. 26(11): p. 607-621.
12. Shilling, F. M., London, J. K., & Liévanos, R. S. (2009). Marginalization by collaboration: Environmental justice as a third party in and beyond CALFED. Environmental Science & Policy, 12(6), 694-709. doi: 10.1016/j.envsci.2009.03.003
13. Steffie, G. (2007). Piercing the veil: The marginalization of midwives in the United States. Social Science & Medicine, 65(3), 610-621. doi: 10.1016/j.socscimed.2007.03.052
14. Yeung, G., He, C., & Liu, H. (2012). Centralization and marginalization: The Chinese banking industry in reform. Applied Geography, 32(2), 854-867. doi: 10.1016/j.apgeog.2011.09.003

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی: ۱۵)، بهار ۱۳۹۸

مطالعات کاربردی در
علوم مدیریت و توسعه
ISSN: 2538-6409